

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران سال نهم، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۶۶-۳۷

تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران

محمد جلال عباسی شوازی^۱

حسین محمودیان^۲

رسول صادقی^۳

زهرا قربانی^۴

چکیده

تعداد ایده‌آل فرزندان شاخص مهمی در بررسی تحولات آینده باروری است. مقاله حاضر به بررسی اثرگذاری متغیرهای ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری ۱۴۹۰۶ پاسخگوی بالای ۱۵ سال ساکن در نقاط شهری و روستایی کشور می‌پردازد. این پژوهش از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که با وجود ایده‌آل دو فرزندی ۴۸/۱ درصد، حدود ۴۳ درصد نیز سه فرزندی و بیشتر را ایده‌آل فرزندآوری گزارش کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد از میان متغیرهای ارزشی - نگرشی، برابری

۱ استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، mabbasi@ut.ac.ir

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، hmahmoud@ut.ac.ir

۳ دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، rassadeghi@yahoo.com

۴ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، z_1404.ghorbani@yahoo.com

جنسیتی و دینداری بیشترین تاثیر را بر ایده‌آل فرزندآوری دارند، به گونه‌ای که با کنترل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی، نگرش به برابری جنسیتی و دینداری تاثیر معناداری بر ترجیحات فرزندآوری افراد داشته‌اند. افراد با نگرش جنسیتی سنتی ۱۳ درصد ایده‌آل‌های فرزندآوری بالاتری نسبت به افراد مدرن دارند، و افراد با دینداری متوسط ۱۰ درصد ایده‌آل‌های فرزندآوری کمتری نسبت به افراد با دینداری بالا دارند. نتایج نشان می‌دهد، با اینکه تمایل به رتبه‌های بالاتر از سه فرزند بیشتر است، اما تحقق تمایلات باروری خانوارها مستلزم اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی است تا فرزندآوری را تسهیل کند.

کلمات کلیدی: ایده‌آل فرزندآوری، دینداری، برابری جنسیتی، رضایت از زندگی، شبکه‌های اجتماعی مدرن.

مقدمه و بیان مسأله

ایران تحت تاثیر تحولات باروری اخیر، تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را تجربه کرده و با چالش‌های جمعیتی مهمی مواجه شده است. هرگونه سیاست‌گذاری در مورد روندهای جمعیتی در آینده و اتخاذ هرگونه برنامه‌ای مستلزم آگاهی و شناخت از عوامل و تعیین‌کننده‌های تغییرات جمعیتی است، که ترجیحات باروری مهمترین آنهاست. بنابراین با افزایش اهمیت نقش تمایلات فرزندآوری در تغییرات آتی جمعیت ایران، توجه به این پدیده و اندازه‌گیری و تبیین آن بیش از پیش مهم خواهد بود.

ترجیحات فرزندآوری یکی از تصمیمات و اعمال مهم زندگی است که باید به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مفهوم‌سازی شود. فرصت‌ها و انگیزه‌های فرزندآوری در جمعیت‌ها و زیرگروه‌های جمعیتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و همه این‌ها تفاوت‌هایی را در تعداد ایده‌آل فرزندان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال دارد. به هر حال رفتار انسان که شامل رفتار باروری او نیز هست وابسته بر محیط‌های

اجتماعی و فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند و تفاوت‌های فردی و اجتماعی که در جوامع وجود دارد منجر به رفتارهای مختلف فرزندآوری می‌شود (باچراچ و مورگان^۱، ۲۰۱۱: ۷۴-۷۱). فرهنگ هر جامعه متشکل از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌هاست و مفهوم ارزش تعاریف متعددی در ادبیات علوم اجتماعی دارد. برای نمونه روکیچ^۲ (۱۹۷۰) ارزش را نوعی از اعتقادات در جهت چگونگی انجام رفتار یا آنچه که برای رسیدن به هدف لازم است، تعریف می‌کند. کلوخن^۳ (۱۹۶۲) ادعا می‌کند که ارزش یک مفهوم مطلوب است که بر انتخاب عمل اثر می‌گذارد. با وجود مفهوم‌سازی‌های مختلف، ارزش به اعتقادات پایدار و حالت‌های مطلوب یا ترجیحی از رفتار اشاره دارد (روکیچ، ۱۹۷۳). این اعتقادات تعیین‌کننده اهدافی است که افراد به دنبال آن هستند یا عمل و کنشی است که قصد انجام آن را دارند. علاوه بر آن، زمانی که یک ارزش به هدف یا وضعیت خاصی مربوط می‌شود، نگرش خاصی را در جهت آن پرورش می‌دهد. بنابراین، یک عمل یا کنش مطلوب و ترجیحی از طریق ارزش‌ها تصمیم‌گیری می‌شود (لیندنبورگ^۴، ۱۹۹۰: ۷۴۸-۷۲۷).

مسئله آنچه شکل‌دهنده پایه‌های نظام رفتاری افراد و یا به تعبیری تعیین‌کننده حدود رفتار و افعال فرد است، همان ارزش‌هاست. در نتیجه تغییرات ایجاد شده در حوزه فرزندآوری را می‌توان با بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی تبیین کرد. از طرفی، مداخله در یک مسأله اجتماعی و برنامه‌ریزی برای هدایت آن در جهت مطلوب و صحیح، مبتنی بر شناخت همه جانبه آن در جامعه و قدرت پیش‌بینی آن از طریق شناخت روند تغییرات آن بخصوص در سطح ارزش‌ها و نگرش‌هاست، که نظام‌های بادوام‌تری به شمار می‌آیند.

علی‌رغم اهمیت تغییرات ساختاری در تبیین تحولات باروری، تحقیقات (حکیم^۵، ۲۰۰۳: ۳۷۴-۳۴۹) نشان می‌دهد که برای درک و تبیین فرایند باروری تنها تغییرات ساختاری کافی نیست و در این زمینه باید نقش عوامل ارزشی و فرهنگی و تغییرات آن‌ها را نیز در نظر گرفت.

1 Bachrach and Morgan

2 Rokeach

3 Kluckhohn

4 Lindenberg

5 Hakim

تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی طی سه دهه گذشته در ایران و به طور اخص بعد از انقلاب اسلامی نشان از تحولات اساسی در ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی و جنسیتی دارد، که همین امر منجر به تحولاتی در زمینه‌های جمعیتی و پویایی جمعیت‌ها شده و با مطالعه این تحولات ارزشی می‌توان تا حدودی به پیش‌بینی تحولات آینده جمعیت‌ها پی برد (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹).

بررسی‌ها در ایران حاکی از آن است که هنجار دو فرزندگی غالب است و بسیاری از زوجین تمایل به داشتن دو فرزند دارند (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۳؛ رازقی نصرآباد، ۱۳۹۰). البته، انواعی از محدودیت‌ها و موانع ممکن است وجود داشته باشد که واقعیت بخشی نیات باروری زوجین ایرانی را محدود می‌کند. بنابراین با توجه به بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، بازنگری، تدوین و اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی برای جلوگیری از استمرار کاهش باروری و ارتقای آن دست کم تا سطح جایگزینی، مستلزم آگاهی و شناخت از ترجیحات و تمایلات فرزندآوری، عوامل موثر بر آن و شناسایی زیرگروه‌های جمعیتی دارای تمایلات فرزندآوری پایین و بسیار پایین است. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که: ایده‌آل‌های فرزندآوری ایرانیان چگونه است و تغییرات و تفاوت‌های آن تا چه اندازه متأثر از عوامل ارزشی-نگرشی است؟

مبانی نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش متکی بر نظریات ایده‌ای^۱ و نگرشی است که اهمیت عوامل ذهنی مانند ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با خانواده و شیوه زندگی را بیشتر از شرایط مادی در رفتارهای جمعیتی تعیین‌کننده می‌داند. نظریات ایده‌ای معتقدند که افراد بر اساس ارزش‌ها و باورهای‌شان عمل می‌کنند و آن‌ها هستند که کنش‌های افراد را جهت دهی می‌کنند. نظریه‌های ایده‌ای نشان می‌دهند که رفتارهای باروری در جهت ارزش‌ها و باورها تنظیم می‌شوند، بر همین اساس به جای دیدن الگوهای باروری به عنوان پیامدی از شرایط اقتصادی مانند هزینه و درآمد، گذاری

1 Ideational Theory

در تشکیل خانواده و والدینی در کشورهای توسعه یافته رخ داده که مرتبط با عوامل ذهنی و انگیزشی مانند ارزش‌ها و نگرش‌هاست (اسسو، سیرونی و باسی^۱، ۲۰۱۳: ۳۳۳-۳۱۶). نظریات مرتبط با رویکردهای ایده‌ای و اندیشه‌ای در این مقاله نظریه برابری جنسیتی، نظریه ایده‌آلیسم توسعه‌ای و نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده است.

جنسیت و برابری جنسیتی از موضوعات مهم ارزشی-نگرشی است که در تحقیقات باروری توجه زیادی به آن شده است. مک دونالد (۲۰۰۰) تحت عنوان نظریه برابری جنسیتی نشان می‌دهد که عدم تعادل در برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور مانند تحصیلات و بازارکار از یک سو و سطوح پایین برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور به باروری خیلی پایین در برخی کشورهای پیشرفته منجر شده است. زمانی که برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور و نهادهای خانواده محور افزایش یابد، باروری نیز افزایش می‌یابد. با این حال اثرات واقعی برابری جنسیتی در خانواده و ارزش‌های تساوی‌گرایانه جنسیتی روی باروری پیچیده و نامشخص است. اگر بار مضاعف کار خانه و بیرون از خانه برای زنان به دلیل سیاست‌های دوستدار خانواده و افزایش سهم مردان در امور منزل کاهش یابد، اثر مثبتی از برابری جنسیتی را می‌توان در چشم‌انداز فرزندآوری زنان ترسیم نمود (پور^۲ و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۹۱۲-۱۸۸۳). هرچند مطالعات فوق به رفتارهای مبتنی بر برابری جنسیتی و تاثیر آن بر باروری اشاره داشته‌اند، رابطه نگرش و ارزش‌های برابری جنسیتی افراد بر باروری آنان سوالی است که نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

نظریه ایده‌آلیسم توسعه‌ای، یک سیستم ارزشی و اعتقادی است که بیان می‌کند نگرش‌های اجتماعی و خانوادگی که به عنوان مدرن تعریف شده‌اند بهتر از نگرش‌های سنتی هستند. بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون در سطح جهان به عنوان عاملی مهم در تغییرات ارزشی و رفتاری تاکید دارد که به عنوان ایده‌آلیسم توسعه‌ای در تمام دنیا انتشار یافته است. این مجموعه از ایده‌ها و نگرش‌ها، ایده‌آل‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با تشکیل خانواده و باروری مانند: افزایش استفاده از

1 Aassve, Sironi and Bassi

2 Puur

وسایل پیشگیری، پذیرش اندازه کوچک خانواده، افزایش سن ازدواج و برابری جنسیتی بیشتر شده‌اند. همچنین تکنولوژی ارتباطات و رسانه‌های جمعی دانشی درباره اشکال جدید رفتار به تمام نقاط جهان گسترش می‌دهند و اشکال جدیدی از رفتار عمومیت می‌یابند (تورنتون و دیگران، ۲۰۱۲: ۲۲-۱؛ تورنتون، ۲۰۱۰: ۵۰-۲۱).

یکی دیگر از چارچوب‌های نظری بسیار مناسب برای مطالعه تصمیم‌گیری‌های بارداری، نظریه رفتار برنامه ریزی شده است که توسط آجزین^۱ (۱۹۹۱) طرح شده است. این نظریه مقاصد فرزندآوری را تحت تاثیر سه گروه از عوامل فرمول بندی می‌کند: ۱- نگرش‌های مثبت و منفی در جهت رفتار ۲- باورها و اعتقادات هنجاری ذهنی (رفاه ذهنی مانند رضایت از زندگی، میزان شادی) و ۳- عوامل کنترلی (رفاه عینی مانند تحصیلات و موقعیت شغلی) (تستا، کاوالی و رسینا، ۲۰۱۴: ۳۳). نظریه رفتار برنامه ریزی شده معمولاً برای درک ما از نیت فرزندآوری، و توضیح باورهای رفتاری، هنجاری و کنترلی در مورد داشتن فرزند که از ملاحظات مهم در هدایت تصمیمات می‌باشند بکار می‌رود. نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نشان می‌دهد که مقاصد هم توسط نگرش‌های فردی و هم توسط هنجارهای اجتماعی تولید می‌شود که ممکن است با هم در ستیز باشند. بر طبق این چارچوب، تطابق بیشتر در نگرش‌ها منجر به سازگاری بیشتر بین ترجیحات و رفتار می‌شود. این تئوری بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته استفاده می‌شود که نرخ‌های مولید نسبتاً پایین است و فرزندآوری به عنوان فرایند تصمیم‌گیری فردی است (آجزین، ۱۹۹۱).

از این رو طیف وسیعی از فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هم وجود دارند که بر رفتارهای فرزندآوری افراد در طول دوره زندگی‌شان اثر می‌گذارند (بالبو، بیلاری و میلز^۳، ۲۰۱۲) و برای درک و پیش بینی وضعیت باروری مهم است تا روابط میان این فرایندها بررسی و اثرات جمعی آن‌ها روی فرزندآوری تبیین شود. تعیین کننده‌های اقتصادی- اجتماعی

1 Ajzen

2 Testa, Cavalli and Rosina

3 Balbo, Billari and Mills

فرزندآوری از مولفه‌های مهم و مورد تأکید بیشتر نظریه‌های تبیین‌کننده مرتبط با هنجارها و ترجیحات باروری طی ۵۰ سال گذشته هستند؛ حتی زمانی که عوامل اقتصادی-اجتماعی در مرکز توجه نظریه (مانند نظریات مرتبط با ترجیحات و مقاصد باروری) قرار ندارند، اما باز هم به عنوان مکانیسمی ضروری و واسطه‌ای در مفاهیم نظری به حساب می‌آیند (جانسون-هنکس^۱ و دیگران، ۲۰۱۱). بر این اساس توضیحات متعددی برای تغییرات باروری وجود دارد که هم شامل توسعه اجتماعی سطح کلان و هم تغییرات اجتماعی سطح خرد شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهاست. و برای تبیین‌های جامع و کامل تغییرات جمعیتی نیازمند پیوند میان سطح خرد و کلان هستیم و نمی‌توان از تأثیر متقابل این دو سطح بر هم چشم‌پوشی کرد. اما با توجه به دگرگونی‌های فرهنگی که در جوامع معاصر به دلیل رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی حاصل از آن روی داده، توجه افراد از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی جلب شده و به همین دلیل در شرایط کنونی رفتارهای انتخابی افراد از جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی بیشتر از شرایط مادی و اقتصادی اثر می‌پذیرند (اینگلهارت و بکر^۲، ۲۰۰۰). بنابراین نیاز به استفاده از رویکردهای ارزشی و فرهنگی همچون تئوری‌های مطرح شده در بالا برای تبیین پدیده‌های جمعیتی هستیم. هر کدام از دیدگاه‌های تئوریک تلاش کرده‌اند از منظر خاصی به عوامل تغییرات خانواده و فرزندآوری و سازوکار اثرگذاری آنها بپردازند. اما تأثیر این عوامل نگرشی و ساختاری در میان همه جوامع و گروه‌های مختلف جمعیتی و اجتماعی یکسان و همزمان نیست و نیازمند مطالعه و تبیین نوع اثرگذاری آنها با توجه به بستر و شرایط جامعه خویش هستیم.

پیشینه پژوهش

در جوامعی که باروری به صورت ارادی و آگاهانه توسط افراد کنترل می‌شود، ترجیحات باروری از تعیین‌کننده‌های کلیدی رفتار و روندهای باروری است (بیلاری، فلیپو و تستا^۳،

1 Johnson-Hanks

2 Inglehart and Baker

3 Billari, Philipov and Testa

۲۰۰۹: ۴۳۹-۴۶۵). هنوز تعداد بچه‌هایی که افراد می‌خواهند از تعداد واقعی فرزندان تا پایان سن فرزندآوری‌شان بالاتر است (تستا، ۲۰۱۲). عدم تحقق تعداد ایده‌آل فرزندان در افراد نشان از موانع و محدودیت‌هایی دارد که نیازمند بررسی است، لذا محققان با توجه به شرایط و بسترهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مختلف عوامل اثرگذار بر ترجیحات فرزندآوری را تبیین نموده‌اند.

در بیشتر تحقیقات تاثیر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی به عنوان عوامل ساختاری بر ترجیحات باروری با متغیرهایی چون تحصیلات، اشتغال و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بررسی شده است. تبیین‌های ساختاری که به نظریه‌های انتخاب عقلانی نیز تعبیر می‌شوند، روندهای جمعیتی را مرتبط با شاخص‌های توسعه می‌دانند و بر تحولات اقتصادی- اجتماعی منتج از مدرنیزاسیون و نوسازی به عنوان عامل اصلی کاهش باروری تاکید دارند. این رویکردها هزینه‌های فرزندآوری، ناامنی اقتصادی- اجتماعی، کاهش استانداردهای زندگی را عاملی بر رفتار و ترجیحات باروری افراد می‌دانند. به طور کلی تئوری‌های اقتصادی معتقدند که برای رسیدن به یک ترجیح یا اولویتی در زندگی، منابع مادی و عینی مانند درآمد و فرصت‌های شغلی تعیین کننده روندها و الگوهای جمعیتی در کشورهای توسعه یافته هستند (مک نیکل^۱، ۱۹۹۲: ۴۲۰-۳۹۹)، رابطه میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تعداد فرزندان مثبت است (لاپگارد، رنسن و اسکردی^۲، ۲۰۱۱: ۱۲۰-۱۰۳)، و نرخ بالای بیکاری منجر به تاخیر در باروری می‌شود (۲۰۱۱: ۵۴۴-۵۱۳). در این تحقیقات تصمیم‌سازی در مورد فرزند با آینده اقتصادی خانواده‌ها و آرمان‌های اقتصادی زوجین مرتبط است و بین تعداد فرزندان و ظرفیت تحقق بخشیدن به انتظارات اقتصادی خانواده‌ها رابطه وجود دارد (کسترلاین^۴، ۲۰۰۱).

در رابطه با اثر جهت‌گیری‌های ارزشی- نگرشی با تاکید بر برابری جنسیتی، محققان نشان دادند که در برابری جنسیتی پایین که زنان تنها مسئول اصلی مراقبت از فرزندان هستند، اثر

1 McNicoll

2 Lappegard, Ronsen and Skrede

3 Adsera

4 Casterline

زیادی روی تصمیمات فرزندآوری نسبت به مردان در مراحل اولیه از فرایند تشکیل خانواده دارند (تستا، ۲۰۱۲). زمانی که به زنان تحصیلات و فرصت‌های شغلی مشابه با مردان داده می‌شود، این فرصت‌ها منجر به محدود کردن فرزندان می‌شوند و واکنش زنان داشتن فرزند کمتر و یا تاخیر در فرزندآوری خواهد بود. برابری جنسیتی در سطح خانواده با تقسیم کار خانگی و در سطح فردی با نگرش به نقش‌های جنسیتی معرفی می‌شود (مک دونالد، ۲۰۱۳: ۹۸۳). میلز^۱ و دیگران (۲۰۱۱) نشان دادند که برابری جنسیتی نقش مثبتی در رفتارهای فرزندآوری و باروری بالاتر دارد.

سیستم‌های جنسیتی تقسیم کار و مسئولیت میان زن و مرد، حقوق و مسئولیت‌های مختص زنان و مردان را تعیین می‌کنند و در درک الگوهای باروری مورد توجه هستند (مک دونالد، ۲۰۱۳: ۹۹۴-۹۸۱). تحقیقات نشان داده است که نقش‌های جنسیتی نابرابر در خانواده‌ها مخصوصاً مدل مرد نان‌آور و زن خانه‌دار، زنان را مجبور به داشتن شغل و یا ماندن در خانه و فرزندآوری می‌کند (میلز، تانتورینی و بگال^۲، ۲۰۰۸: ۲۸-۱) و پایین بودن برابری جنسیتی در خانواده‌ها عامل اصلی باروری خیلی پایین است (مک دونالد، ۲۰۰۰). شواهد بیانگر این است که نگرش تساوی‌طلبانه نقش‌های جنسیتی در مردان منجر به باروری بالاتر می‌شود (پور و دیگران، ۲۰۰۸) در حالی که تحقیقات دیگر این رابطه را معکوس می‌دانند (وستف و هیگنس^۳، ۲۰۰۹: ۷۴-۶۵). بنابراین جایی که مردان دیدگاه‌های سنتی یا تساوی‌طلب دارند اندازه ایده‌آل خانواده بالاتر است و این رابطه U شکل است (مایتینن، باستین و رکیچ^۴، ۲۰۱۱: ۴۹۶-۴۶۹)

مطالعات انتقال باروری در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که کاهش باروری علاوه بر تغییر عوامل اقتصادی-اجتماعی یا نهادهای اجتماعی، بیشتر به دلیل اشاعه ایده‌ها و دانش جدید در مورد تنظیمات باروری بوده است (لستهاق، ۱۹۸۳: ۴۳۶-۴۱۱). رویکردهای اشاعه و انتشار اهمیت تعاملات اجتماعی را به عنوان کلید کاهش باروری می‌دانند. الگوهای جدید تعاملات

1 Mills

2 Tanturrini and Begall

3 Westoff and Higgins

4 Miettinen, Basten and Rotkirch

اجتماعی منجر به تغییر الگوهای ارتباطات میان افراد شده و می‌تواند گسترش ایده‌های جدید درباره فرزندآوری را تسهیل کند. انواعی از ایده‌های جدید مرتبط با کاهش باروری گسترش یافته‌اند که شامل اطلاعاتی درباره وسایل پیشگیری از بارداری، تمایل به مصرف بیشتر، ترجیح به اندازه کوچک خانواده و نگرش‌ها و ترجیحات سکولار و فردگرایانه است. هر یک از این تغییرات اجتماعی نیازمند تغییرات بنیادی در تعاملات اجتماعی است و مکانیسم ایجاد این تغییرات از طریق شبکه‌های اجتماعی، گسترش ایده‌های غربی از طریق سیستم‌های آموزشی، افزایش مهاجرت، سفر و گردشگری و تماس با رسانه‌های جمعی می‌باشند (اکسین و یابیکو^۱، ۲۰۰۱: ۱۲۲۴). در نهایت؛ تغییرات اجتماعی منجر به تغییر تعامل افراد با دیگران و ایجاد مکانیسم‌هایی برای تاثیر ایده‌های جدید در ترجیحات فرزندآوری و گسترش آن در میان جمعیت‌ها می‌شود.

دامنه وسیعی از رفتارها رابطه مثبتی با سطح رفاه دارند. رفاه دارای دو بعد عینی و ذهنی است و شاخص‌های متعددی دارد که رضایت از زندگی یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه ذهنی است (هایدیکو و ماتییجس^۲، ۲۰۱۶: ۱۷-۴۶). رضایت از زندگی مفهومی است که هم به عنوان متغیر مستقل اثرش روی رفتارهای فردی و احساسات ذهنی سنجیده می‌شود و هم به عنوان پیامدی از عوامل اجتماعی و فردی مختلف می‌باشد. در هر دو صورت به عنوان بخشی از رفاه ذهنی است و به عنوان یکی از مولفه‌های مهم آن مورد تایید است. رضایت از زندگی جنبه‌های مختلفی از زندگی شامل رضایت از روابط شخصی و سلامت، امور مالی، شغل، مسکن، اجتماع محلی، اوقات فراغت را در بر می‌گیرد. تعیین‌کننده‌های رضایت از زندگی در جوامع مختلف متفاوت است؛ در جوامع فردگرا احساسات و اهداف و علایق افراد تعیین‌کننده‌های مهم رضایت از زندگی هستند و در جوامع جمع‌گرا هماهنگی بین علایق جمعی و فردی منجر به ساخت رضایت افراد می‌شود. تحقیقات در روسیه نشان می‌دهد که رضایت از زندگی رابطه مثبتی با تمایل و داشتن فرزند دوم صرفنظر از درآمد و معیارهای اقتصادی خانوار دارد (پرلی-هریس^۳، ۲۰۰۶: ۲۷۹-۲۵۳). در استرالیا رضایت از امور مالی در

1 Axinn and Yabiku

2 Haideko and Matthijs

3 Perelli- Harriss

نداشتن فرزندان بیشتر بسیار موثر است. رضایت از سلامت فردی با باروری رابطه دارد. کسانی که از وضعیت مسکن خود ناراضی هستند، داشتن فرزند اضافی را به تأخیر می‌اندازند و اندازه مسکن در داشتن فرزند اضافی موثر است (پار^۱، ۲۰۱۰: ۶۳۵-۶۶۲).

در زمینه اثر دینداری بر ترجیحات فرزندآوری افراد، تحقیقات نشان می‌دهد که وابستگی‌های مذهبی همبستگی و رابطه مهمی با اندازه خانواده در بخش‌هایی از آسیا دارند (مورگان و دیگران، ۲۰۰۲: ۵۳۷-۵۱۵)، اما این رابطه در برخی از کشورهای آمریکای لاتین کمتر است (هیتون^۲، ۲۰۱۱: ۴۶۵-۴۴۹). تفاوت‌های باروری با درجه دینداری در کشورهای غربی بررسی شده و درجه دینداری با حضور در کلیسا یا خود ارزیابی مذهبی اندازه‌گیری شده است (فیلیپو و برگامر^۳، ۲۰۰۷: ۳۰۵-۲۷۱). در توضیح اینکه چرا افراد مذهبی خانواده‌های بزرگتری دارند، محققان به نفوذ آموزش‌های مذهبی، نقش شبکه‌های اجتماعی وابسته به کلیسا و آیین‌های مذهبی اشاره کرده‌اند (چترز و تیلور^۴، ۲۰۰۵: ۵۴۱-۵۱۷).

با وجود مطالعات متنوعی که در حوزه باروری در ایران صورت گرفته، کمتر به ترجیحات و ایده‌آل‌های باروری به عنوان متغیری وابسته در تحقیقات اشاره شده است. در اغلب پژوهش‌ها ایده‌آل‌های فرزندآوری اغلب به عنوان متغیری مستقل دیده شده و بیشتر تحقیقات در این زمینه در سطح یک یا چند استان یا شهر بوده و تحقیق با داده‌های ملی بسیار اندک است. از جمله مطالعاتی که در این زمینه به آنها می‌توان اشاره کرد تحقیق عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) است که در مطالعه خود به بررسی ارتباط جهانی شدن فرهنگی و گرایش‌های فرزندآوری زنان جوان شهر شیراز پرداخته و نشان دادند که از میان مولفه‌های جهانی شدن فرهنگی؛ فناوری‌های نوین ارتباطی، نگرش نقش‌های جنسیتی و فردگرایی رابطه معنادار و منفی با تمایلات فرزندآوری دارند. خلیج آبادی فراهانی و سرایی (۱۳۹۱) در بررسی ترجیح تک فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن، متغیرهای سن، فردگرایی، نگرانی‌های اجتماعی پرورش فرزند، ترس از مشکلات تک فرزندی و نگرش‌های جنسیتی تساوی‌طلب را از عوامل مهم تک فرزندی می‌دانند. حسینی و عباسی شوازی (۱۳۸۸)

1 Parr

2 Heaton

3 Philipov and Berghammer

4 Chatters and Taylor

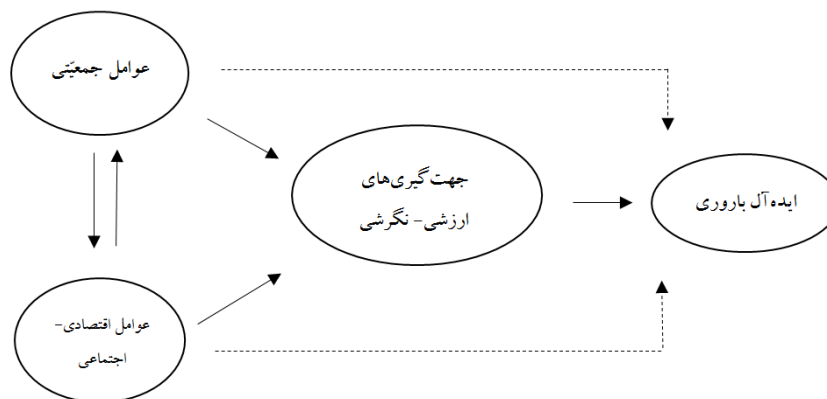
نشان دادند که زنانی که نگرشی مساعد نسبت به مشارکت زن در فعالیت‌های خارج از منزل دارند در مقایسه با آنهایی که بیشتر مخالف اشتغال زن هستند، باروری پایین‌تری داشته‌اند. در میان زنانی که مخالف اشتغال هستند متوسط زنده زایی، شمار فرزندان ایده‌آل هنگام ازدواج و هنگام بررسی نسبت به زنانی که موافق با اشتغال زنان هستند بالاتر است.

بدین ترتیب پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که عوامل ساختاری (متغیرهای اقتصادی و اجتماعی) و عوامل ایدئولوژیک (جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی) به طور بنیادی در مدل بندی ترجیحات باروری افراد موثرند و تبیین تحولات نیت باروری افراد از مسیر تعامل بین این دو رویکرد نظری محقق خواهد شد. اما تاکید تحقیق حاضر بر اهمیت بررسی تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری بدان جهت است که تحولات فرهنگی گسترده‌ای را در عصر حاضر شاهدیم؛ صنعتی شدن پیامدهای مختلفی از جمله در حوزه فرهنگی (تغییر بین نسلی) داشته و تغییر از جامعه ماقبل صنعتی به صنعتی سبب تغییراتی در تجربه افراد و دیدگاه آنان شده است. دیدگاه‌های جهانی، تحصیلات رسمی و تجارب شغلی افراد گسترش یافته و استعدادهایشان را جهت تصمیم‌گیری‌های مستقل افزایش داده است. (اینگلهارت و بکر، ۲۰۰۰)

به تعبیر اینگلهارت، زمان آن رسیده است که در تحلیل اجتماعی تعادل به وجود آوریم. از اواخر دهه ۱۹۶۰ الگوهای انتخاب عقلانی مبتنی بر متغیرهای اقتصادی، روش غالب در تحلیل پژوهش‌ها شده و عوامل فرهنگی تا حد غیر واقع بینانه‌ای نادیده و اهمیت عوامل فرهنگی کمتر از آنچه هست برآورد شده است. دلیل این امر هم عدم دسترسی آسان به شاخص‌های فرهنگی (بر خلاف شاخص‌های اقتصادی) می‌باشد. لذا مدل‌های انتخاب عقلانی در بررسی رفتارهای فردی و اجتماعی بسیار سودمند بوده، اما روابطی که فرهنگ می‌تواند داشته باشد هنوز نیاز به تحقیقات بیشتری دارد و ناشناخته باقی مانده است. فرهنگ صرفاً پدیده ثانویه‌ای که توسط اقتصاد تعیین می‌شود، نیست، بلکه مجموعه مستقلی از عواملی است که گاهی اوقات به رویدادهای اقتصادی شکل می‌دهد؛ همچنان که از آن تاثیر می‌پذیرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵۳). به عبارتی، عوامل فرهنگی تنها تحت تاثیر دگرگونی اقتصادی واقع نمی‌شوند، بلکه گاهی بر آن نیز تاثیر می‌گذارند.

رونق و شکوفایی بعد از سرمایه‌داری و رشد اقتصادی ناشی از آن موجب شد که نسل جدید در برخورد با ارزش‌های فرهنگی به شیوه‌ای متفاوت از نسل قبل عمل کنند، به صورتی که با جایگزینی نسل جدید، نوعی جابجایی به سوی اولویت‌های ارزشی فرامادی روی داده است و طبق نظر اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی، جایگزینی نسل جدید تدریجاً به جابه‌جایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر شده است. بنابراین مطالعه جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی نه تنها امکان پیش‌بینی جهت تحولات در آینده، بلکه دامنه این تغییرات را که از جایگزینی نسلی انتظار می‌رود، فراهم می‌کند و جایگزینی نسل جدید و جوان، تحول اساسی از ارزش‌ها را موجب شده است که در بررسی رفتارهای فردی باید مدنظر قرار داد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۹۵).

از این رو، مدل‌های رفتاری بر اساس دو پیش فرض ساخته می‌شوند؛ ابتدا بر اساس نظریه‌های اقتصادی که هدف کنش را رسیدن به حداکثر رضایت می‌دانند و توسط ترجیحات کنشگر تعیین می‌شوند. دوم بر اساس نظریه‌های ایده‌آی که ارزش‌ها و باورهای افراد بر معانی ذهنی و تفاسیر آنها در رفتارهایشان اثر می‌گذارد و در نتیجه منجر به اهداف مطلوب و ترجیحی می‌شود. در این میان بر اساس پیشینه‌های نظری و تجربی پژوهش، مدل نظری تحقیق برای تبیین ایده‌آل‌های باروری در ایران به صورت شکل ۱ طراحی شده است.



شکل ۱. مدل نظری - مفهومی عوامل اثرگذار بر ایده‌آل‌های فرزندآوری

بر این اساس، جهت‌گیری‌های ارزشی و نگرشی ارتباط مستقیم و نزدیکی با ایده‌آل‌های فرزندآوری دارند و متغیرهای اقتصادی-اجتماعی (وضعیت سواد و وضعیت شغلی) و جمعیتی (سن، جنس، وضع تأهل، مذهب، قومیت) از طرفی به طور مستقیم و از جهتی به واسطه متغیرهای میانی ارزشی-نگرشی (دینداری، اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، رضایت از زندگی و نگرش‌های برابری‌گرایانه جنسیتی) بر ایده‌آل‌های فرزندآوری تأثیر می‌گذارند.

روش تحقیق و داده‌ها

تحقیق حاضر پژوهشی توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل ثانویه است. داده‌های پیمایشی مورد استفاده در این تحقیق پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که توسط دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمع‌آوری شده است. داده‌ها در سطح فردی و جامعه آماری افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای شهری و روستایی ساکن در ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۴ است. حجم نمونه در کل کشور برابر با ۱۴۹۰۶ نفر است.

متغیرهای تحقیق شامل دو دسته متغیرهای مستقل و وابسته است. متغیر وابسته، تعداد ایده‌آل فرزندان می‌باشد که به منظور عملیاتی کردن آن از سوال: به نظر شما یک خانواده (زن و شوهر) بهتر است چند فرزند داشته باشد؟ استفاده شده است. متغیرهای مستقل اصلی، متغیرهای ارزشی-نگرشی است که شامل: ارزش و نگرش‌های برابری‌گرایی جنسیتی با ۴ گویه شامل: اشتغال زنان، کار بیرون از خانه برای زنان، حق طلاق و سهم زنان در تأمین مخارج زندگی با آلفای کرونباخ ۰/۶۸ است. شاخص رضایت از زندگی از ۷ گویه شامل: رضایتمندی از شریک زندگی، اعضای خانواده، وضع سلامتی، وضع مالی، وضع مسکن، محل سکونت و شغل ساخته شده است با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ ساخته شده است. دینداری با ۴ گویه ایمان به خدا، اعتقاد به آخرت، اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر و ارادت به اهل بیت (ع) و آلفای کرونباخ ۰/۷۱ است و شاخص اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی با ۴ گویه

شامل اثر فضای مجازی بر زندگی، سازگاری دنیای مجازی با واقعیت، اعتماد به فضای مجازی و ارتباط در واقعیت با افراد در فضای مجازی با آلفای کروناخ ۰/۸۵ نشان از تناسب گویه‌ها برای هر کدام از متغیرهاست.

متغیرهای مستقل (کنترلی) شامل عوامل زمینه‌ای است که طیف وسیعی از مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را در بر می‌گیرد. متغیرهای جمعیتی شامل جنس، سن، وضع تأهل، مذهب و قومیت می‌باشند. متغیرهای اقتصادی - اجتماعی شامل وضع سواد و وضعیت فعالیت است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی نمونه مورد بررسی معرفی شده و سپس با استفاده از تحلیل‌های دو متغیره روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و تاثیر متغیرهای مستقل بر ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد با تحلیل چندمتغیره بررسی می‌شود.

ویژگی‌های جمعیتی نمونه

تعداد نمونه ۱۴۹۰۶ فرد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در ۳۱ استان کشور است. بر اساس یافته‌ها، ۶۹ درصد نمونه مورد بررسی را ساکنان شهری و ۳۱ درصد را ساکنان روستایی تشکیل داده‌اند. مردان ۴۹ درصد و ۵۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. در گروه‌های سنی ۳۵ درصد افراد در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۴۲ درصد در سنین ۳۰ تا ۴۹ سال و ۲۴ درصد در سنین ۵۰ سال به بالا قرار دارند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان ۳۸ سال، میانه سنی ۳۵ سال است. به لحاظ وضع تأهل ۲۷ درصد افراد در گروه مجرد (هرگز ازدواج نکرده)، ۶۹ درصد متأهل و ۴ درصد در گروه سایر (مطلقه و همسرفوت کرده) قرار دارند. هشت درصد افراد نمونه بی‌سواد و مابقی باسوادند که ۱۸ درصد آنان سواد ابتدایی، ۲۰ درصد سواد متوسطه، ۲۶ درصد دیپلم و ۲۷ درصد تحصیلات عالی دارند. به لحاظ وضع فعالیت ۳۵ درصد افراد شاغل، ۱۱ درصد بیکار، ۳۳ درصد خانه دار، ۸ درصد بازنشسته و ۱۲ درصد محصل (دانشجو، دانش

آموز و طلبه) هستند. وضعیت ایده‌آل‌های فرزندآوری پاسخگویان نشان می‌دهد که ۰/۵ درصد بی‌فرزندی، ۸/۲ درصد تک‌فرزندی، ۴۸/۱ درصد دو فرزندی، ۲۲/۱ درصد سه فرزندی، ۱۶ درصد چهار فرزندی و ۵/۲ درصد پنج فرزند و بیشتر را ایده‌آل دانسته‌اند و میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان ۲/۶۱ فرزند می‌باشد.

وضعیت اقتصادی- اجتماعی، جمعیتی و ایده‌آل‌های فرزندآوری

ایده‌آل‌های فرزندآوری در میان جمعیت‌ها و زیرگروه‌های جمعیتی با توجه به تنوع بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. یافته‌ها در جدول (۱) نشان می‌دهد که میان دو جنس تفاوتی در میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان وجود ندارد. در میان گروه‌های سنی، جوانان نسبت به سنین میانسالی و سالمندی تمایلات فرزندآوری کمتری دارند و با افزایش سن بر میانگین تعداد ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد افزوده می‌شود و تفاوت معناداری در میان گروه‌های سنی در ترجیحات باروری دیده می‌شود که نشان از عدم همگرایی در ایده‌آل فرزندآوری نسل جدید و نسل‌های قدیمی‌تر دارد. تمایل به فرزندآوری در میان افراد مجرد اندکی کمتر از متأهلین می‌باشد و تفاوت معناداری در ایده‌آل‌های باروری مجردین و متأهلین وجود دارد. یافته‌ها بیانگر این است که طی سال‌های اخیر و در میان نسل‌های جدید تمایلات فرزندآوری کاهش یافته است. میان ایده‌آل‌های باروری افراد و مذهب آنان تفاوت وجود دارد، اهل سنت ایده‌آل‌های فرزندآوری بالاتری نسبت به شیعه دارند و تفاوت بین دو گروه ۰/۳ فرزند است. تفاوت گروه‌های قومی در میانگین تعداد ایده‌آل‌های فرزندآوری قابل توجه است و تقریباً با رفتارهای باروری واقعی آنان همخوانی دارد. بالاترین ایده‌آل‌های فرزندآوری در میان بلوچ‌ها با میانگین ۳/۴۵ فرزند می‌باشد، سپس قوم لر و عرب بیشترین ترجیحات فرزندآوری را دارند. کمترین ایده‌آل باروری را شمالی‌ها با میانگین ۲/۳۱ فرزند دارا هستند. میانگین تعداد ایده‌آل در میان فارس‌ها ۲/۶۴ فرزند است؛ که با توجه به وزن جمعیتی فارس‌ها تقریباً نزدیک به میانگین ایده‌آل فرزندان در کل کشور ۲/۶۱ فرزند می‌باشد.

جدول ۱: تعداد ایده‌آل فرزندان بر حسب ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی پاسخگویان

مقدار آزمون و سطح معناداری	میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان	درصد	تعداد	ویژگی	
				جنس	
۰/۱۸۰ T-Test=	۲/۶۲	۴۹/۲	۷۳۳۲	مرد	جنس
	۲/۶۱	۵۰/۸	۷۵۷۴	زن	
**۱۲۳/۹۱۹F=	۲/۴۷	۳۴/۶	۵۱۶۰	۱۵ تا ۲۹ سال	گروه سنی
	۲/۵۹	۴۱/۶	۶۲۰۰	۳۰ تا ۴۹ سال	
	۲/۸۶	۲۳/۸	۳۵۴۶	بالای ۵۰ سال	
***۳۶/۲۰۳T-Test=	۲/۴۵	۲۶/۹	۴۰۱۷	مجرد	وضع تاهل
	۲/۶۶	۷۳/۱	۱۰۲۶۸	متاهل	
***۱۱۲/۱۲۳F=	۳/۰۶	۸/۰	۱۱۸۸	بی سواد	وضع سواد
	۲/۸۷	۱۸/۳	۲۷۱۹	ابتدایی	
	۲/۵۹	۲۰/۵	۳۰۵۲	متوسطه	
	۲/۴۷	۲۵/۷	۳۸۱۶	دیپلم	
	۲/۴۷	۲۷/۵	۴۰۹۳	دانشگاهی	
***۲۲/۵۸F=	۲/۶۰	۳۴/۷	۵۱۶۰	شاغل	وضعیت شغلی
	۲/۵۷	۶۵/۳	۹۶۸۹	غیر شاغل	
***-۸/۵۰۵T-Test=	۲/۵۸	۹۰/۱	۱۳۴۳۵	شیعه	مذهب
	۲/۸۹	۹/۳	۱۳۸۰	اهل سنت	
***۸۱/۶۹۹F=	۲/۶۴	۴۵/۹	۶۸۳۸	فارس	قومیت
	۲/۴۰	۱۸/۹	۲۸۱۲	ترک	
	۲/۸۸	۱۱/۳	۱۶۹۰	لر	
	۲/۵۵	۱۱/۲	۱۶۶۸	کرد	
	۲/۳۱	۶/۷	۹۹۹	شمالی	
	۲/۸۲	۱/۶	۲۳۶	عرب	
	۳/۴۵	۲/۵	۳۷۵	بلوچ	
	۲/۶۱	۱۰۰	۱۴۹۰۶		کل

***سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ و ** سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱

بررسی متغیرهای اقتصادی- اجتماعی سطح سواد و وضعیت شغلی نشان می‌دهد که هر چه بر تحصیلات افراد افزوده می‌شود از ایده‌آل‌های فرزندآوری آن‌ها کاسته می‌شود. بی‌سوادان با میانگین تعداد ایده‌آل بالای ۳ فرزند، بیشترین تمایلات فرزندآوری را دارند. سطح تحصیلی ابتدایی و متوسطه تمایلات بالاتری را نسبت به دیپلم و سطح عالی دارند. افراد در سطح تحصیلی دیپلم و عالی تمایلات فرزندآوری مشابهی دارند و تفاوت معناداری در ایده‌آل‌های باروری سطوح مختلف سواد پاسخگویان دیده می‌شود. در بررسی وضعیت شغلی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری شاهد تمایلات بالای فرزندآوری در میان غیرشاغلین هستیم و میانگین ایده‌آل‌های فرزندآوری غیرشاغلین بیشتر از شاغلین است.

جهت‌گیری‌های ارزشی- نگرشی و ایده‌آل‌های فرزندآوری

در بررسی تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی- نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد، چهار متغیر رضایتمندی از زندگی، درجه‌پذیری از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، نگرش به برابری جنسیتی و دینداری بر ایده‌آل‌های باروری افراد مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۲: تعداد ایده‌آل فرزندان بر حسب ویژگی‌های ارزشی- نگرشی پاسخگویان

متغیر	طبقات	میانگین	انحراف معیار	آزمون
دینداری	زیاد	۲/۶۶	۱/۱۴	*۸۲/۸۷۸F= ۰/۱۳۴R=
	متوسط	۲/۲۹	۱/۰۸	
	کم	۲/۲۵	۱/۴۸	
برابری‌گرایی جنسیتی	مدرن	۲/۴۹	۱/۰۲	*۹۴/۹۴۰F= -۰/۱۲۹R=
	بینابین	۲/۶۶	۱/۱۴	
	سستی	۲/۸۵	۱/۳۸	
اثرپذیری از شبکه اجتماعی و فضای مجازی	زیاد	۲/۳۴	۱/۲۵	*۴۴/۶۸۶F= -۰/۰۸۲R=
	متوسط	۲/۴۵	۱/۱۰	
	کم	۲/۶۵	۱/۱۴	
رضایت از زندگی	زیاد	۲/۷۰	۱/۱۴	*۳/۱۹۳F= ۰/۰۲۷R=
	متوسط	۲/۶۴	۱/۱۴	
	کم	۲/۶۰	۱/۲۶	

* سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱

میزان رضایت از زندگی با ۷ گویه در زمینه رضایتمندی مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های جدول ۲ نشان دهنده آن است که میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان با رضایت کم، متوسط و زیاد از زندگی به ترتیب برابر است با ۲/۶۰، ۲/۶۴ و ۲/۷۰ است. این تفاوت در تعداد ایده‌آل فرزندان بر حسب رضایت از زندگی از طریق آزمون F برابر با ۳/۱۹۳ و معنادار است و این فرضیه مورد تایید می‌باشد؛ یعنی تفاوت معناداری میان گروه‌های مختلف رضایت از زندگی در تعداد ایده‌آل فرزندان وجود دارد. همبستگی مثبت میان تعداد ایده‌آل فرزندان و رضایت از زندگی نشان می‌دهد که هر چه رضایتمندی از زندگی بیشتر شود بر تعداد ایده‌آل فرزندان افزوده خواهد شد.

شاخص برابری جنسیتی با ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفت؛ یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که افرادی با نگرش‌های سنتی ۲/۸۵ فرزند، افرادی با تمایلات جنسیتی بینابین ۲/۶۶ فرزند و افراد مدرن ۲/۴۹ فرزند را ایده‌آل دانسته‌اند. از این رو افراد سنتی بالاترین و افراد مدرن پایین‌ترین تمایلات فرزندآوری را دارند. رابطه دو متغیره میان تعداد ایده‌آل فرزندان و تمایلات جنسیتی افراد نشان‌دهنده تفاوت‌های معنادار در سطوح مختلف رفتارهای جنسیتی با ایده‌آل‌های باروری افراد است. همبستگی میان دو متغیر منفی است که نشان از رابطه معکوس میان ایده‌آل‌های فرزندآوری و گرایش‌های جنسیتی دارد؛ یعنی هر چه برابری جنسیتی بالاتر باشد افراد دیدگاه‌های مدرن تری داشته و تمایلات باروری پایینتری دارند. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که با اینکه تمایل به برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور مانند اشتغال و بازارکار زیاد بوده و پاسخگویان تمایل بالایی به اشتغال و کار بیرون از خانه برای زنان داشته‌اند، اما تعداد ایده‌آل فرزندان در این گروه از پاسخگویان پایین بوده است. مک دونالد (۲۰۰۰) معتقد است که برابری جنسیتی پایین در خانواده‌ها منجر به باروری پایین می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور در ایران هنوز شکل نگرفته است و همین امر کاهش باروری در کشور را رقم زده است.

تعداد ایده‌آل فرزندان با درجه اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی مدرن و فضای مجازی رابطه عکس دارد؛ یعنی هر چه استفاده از فضای مجازی کمتر، ایده‌آل‌های باروری بالاتر است.

همچنین تفاوت‌های معناداری در استفاده از فضای مجازی و ایده‌آل‌های فرزندآوری وجود دارد؛ به طوری که افرادی با استفاده کم ۲/۶۵ فرزند، استفاده متوسط ۲/۴۵ فرزند و افرادی با استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی ۲/۳۴ فرزند را ایده‌آل دانسته‌اند. افرادی که به صورت کم از فضای مجازی استفاده می‌کنند به طور معناداری بیشتر از کسانی که به طور متوسط و زیاد از فضای مجازی استفاده می‌کنند، تمایل به فرزندآوری دارند.

در رابطه با دینداری، ۴ گویه در رابطه با ابعاد اعتقادی دینداری توسط پاسخگویان مورد سنجش قرار گرفته است. ابعاد اعتقادی شامل: ایمان به خداوند، اعتقاد به آخرت، اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر و اعتقاد به اهل بیت (ع) می‌باشند. یافته‌ها حاکی از اعتقاد و ایمان بالای پاسخگویان به ابعاد مختلف دینداری است و هر چه دینداری بیشتر، میانگین تعداد ایده‌آل فرزندان نیز بالاتر بوده است. تفاوت معناداری در دینداری افراد و ترجیحات باروری آنان وجود دارد به طوری که افراد با دینداری کم ۲/۲۵ فرزند، افرادی با دینداری متوسط ۲/۲۹ فرزند و افرادی با دینداری بالا ۲/۶۶ فرزند را ایده‌آل می‌دانند.

نتایج تحلیل چند متغیره

برای تبیین اثرگذاری متغیرهای مستقل بر تعداد ایده‌آل فرزندان با توجه به ماهیت کمی و شمارشی متغیر وابسته یعنی تعداد ایده‌آل فرزند از روش تحلیل چند متغیره و رگرسیون پواسون استفاده شده است. با توجه به اهمیت اثرگذاری دو نوع از متغیرهای مستقل در این تحقیق یعنی متغیرهای ساختاری (متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی) و متغیرهای ارزشی-نگرشی دو مدل تحقیق طراحی شده است. مدل اول اثر متغیرهای ارزشی-نگرشی و مدل دوم اثر متغیرهای ارزشی-نگرشی با کنترل متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج تحلیل چند متغیره تاثیر عوامل ارزشی - نگرشی بر تعداد ایده‌آل فرزندان

متغیر مستقل	مدل ۱			مدل ۲		
	EXP(B)	S.E	B	EXP(B)	S.E	B
عرض از مبدأ	۰/۸۵۸	***۰/۰۲۴۰	۲/۳۵۸	۲/۹۸۸	***۰/۰۴۸	۱/۰۹۵
دینداری	کم	-۰/۱۱۰	۰/۸۹۵	۰/۹۲۳	۰/۰۹۲۸	-۰/۰۸۰
	متوسط	-۰/۱۳۹	۰/۸۷۱	۰/۸۹۹	***۰/۰۳۷۳	-۰/۱۰۶
	زیاد(مرجع)					
نگرش به برابری جنسیتی	سنتی	۰/۱۲۳	۱/۱۴۱	۱/۱۳۳	***۰/۰۲۲۸	۰/۱۲۵
	بینابین	۰/۰۷۸	۱/۰۸۱	۱/۰۷۲	***۰/۰۱۱۸	۰/۰۶۹
	مدرن(مرجع)					
استفاده از فضای مجازی	کم	۰/۰۸۷	۱/۰۹۱	۱/۰۴۴	۰/۰۲۵۲	۰/۰۴۳
	متوسط	۰/۰۲۴	۱/۰۲۵	۱/۰۰۸	۰/۰۲۶۴	۰/۰۰۸
	زیاد(مرجع)					
رضایت از زندگی	کم	۰/۰۱۴	۱/۰۱۴	۰/۹۹۴	۰/۰۷۱۷	-۰/۰۰۷
	متوسط	-۰/۰۱۹	۰/۹۸۲	۰/۹۷۲	۰/۰۱۶۹	-۰/۰۲۹
	زیاد(مرجع)					
جنسیت	زن			۱/۰۰۴	۰/۰۱۳۸	۰/۰۰۴
	مرد(مرجع)					
گروه سنی	۱۵ تا ۲۹ سال			۰/۹۴۱	**۰/۰۱۹۸	-۰/۰۶۱
	۳۰ تا ۴۹ سال			۰/۹۵۸	**۰/۰۱۵۹	-۰/۰۴۳
	بالای ۵۰ سال(مرجع)					
وضع زناشویی	مجرد			۰/۹۷۵	۰/۰۱۷۴	-۰/۰۲۵
	متأهل(مرجع)					
سطح سواد	بی سواد			۱/۱۵۵	***۰/۰۲۴۹	۰/۱۴۴
	ابتدایی			۱/۱۰۲	***۰/۰۱۸۴	۰/۰۹۷
	متوسطه			۱/۰۳۳	۰/۰۱۶۸	۰/۰۳۳
	دیپلم			۰/۹۹۹	۰/۰۱۵۸	-۰/۰۰۱
	دانشگاهی(مرجع)					

ادامه جدول ۳: نتایج تحلیل چند متغیره تاثیر عوامل ارزشی- نگرشی بر تعداد ایده‌آل فرزندان

متغیر مستقل	مدل ۱			مدل ۲		
	EXP(B)	S.E	B	EXP(B)	S.E	B
سطح فعالیت				۰/۹۹۹	۰/۰۱۴۴	-۰/۰۰۱
مذهب				۱/۰۸۵	***۰/۰۲۳۱	۰/۰۸۲
گروه قومی				۰/۸۳۵	***۰/۰۳۶۸	-۰/۱۸۱
				۰/۷۴۵	***۰/۰۳۸۴	-۰/۲۹۵
				۰/۹۱۹	*۰/۰۳۹۲	-۰/۰۸۴
				۰/۷۸۲	***۰/۰۳۶۴	-۰/۲۴۶
				۰/۷۲۱	***۰/۰۴۰۶	-۰/۳۲۸
				۰/۸۷۶	*۰/۰۵۴۴	-۰/۱۳۳

*** سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱، ** سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ و * سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵

مدل (۱) به بررسی تاثیر متغیرهای ارزشی- نگرشی بر تعداد ایده‌آل فرزندان می‌پردازد. این متغیرها شامل نگرش به برابری جنسیتی، دینداری، اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی مدرن و فضای مجازی و رضایت از زندگی است. تحلیل‌ها بیانگر این است که سه متغیر نگرش به برابری جنسیتی، دینداری و اثرپذیری از فضای مجازی اثر معناداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان دارند. نگرش به برابری جنسیتی تفاوت معناداری را میان افراد مدرن با دو گروه سنتی و بینابین نشان می‌دهد. ضرایب دو گروه سنتی و بینابین بیانگر این است که این دو گروه ایده‌آل‌های فرزندآوری بالاتری نسبت به افراد مدرن دارند به گونه‌ای که در افراد سنتی، ایده‌آل‌ها به اندازه ۱۴ درصد و در افرادی با نگرش بینابین تعداد ایده‌آل فرزندان به اندازه ۸ درصد بیشتر از افراد با نگرش‌های برابری‌گرایانه مدرن است. تاثیر دینداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان نشان می‌دهد که افرادی که دینداری بالاتری دارند، تعداد ایده‌آل فرزندان بیشتری نسبت به افراد با دینداری

متوسط و کم دارند و تفاوت معناداری در تعداد ایده‌آل فرزندان میان دو گروه افراد با دینداری بالا و متوسط وجود دارد. بنابراین هر چه افراد دیندارتر باشند، ایده‌آل‌های فرزندآوری بیشتری خواهند داشت. اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تفاوت معناداری را در میان دو گروه با اثرپذیری زیاد و کم دارد، به گونه‌ای که هر چه اثرپذیری کمتر باشد ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد بالاتر است و افراد با اثرپذیری کم از فضای مجازی، ایده‌آل‌های فرزندآوری‌شان به اندازه ۹ درصد بیشتر از افراد با اثرپذیری بالا از شبکه‌های اجتماعی مجازی است. رضایت از زندگی اثر معناداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان ندارد.

تحلیل چند متغیره در مدل (۲) به بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی اشاره دارد. یافته‌ها بیانگر این است که با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی همچنان دینداری و نگرش به برابری جنسیتی اثر معناداری بر ایده‌آل‌های فرزندآوری دارند، اما اثرپذیری از فضای مجازی و رضایت از زندگی تفاوت معناداری را در ایده‌آل‌های فرزندآوری ندارند و این نشان از اهمیت بالای دینداری و نگرش‌های برابری‌گرایانه جنسیتی در تأثیر بر تعداد ایده‌آل فرزندان است. دینداری با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی نشان می‌دهد که در میان افراد با دینداری بالا همچنان تعداد ایده‌آل فرزندان بالاتر از دو گروه دیگر است و اثر دینداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان مستقل از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی است. در نگرش‌های برابری‌گرایانه جنسیتی بر تعداد ایده‌آل فرزندان با کنترل متغیرهای زمینه‌ای همچنان جهت‌گیری‌های برابری جنسیتی تأثیر معناداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان دارند و نشان از تأثیر مستقل متغیر برابری جنسیتی از متغیرهای زمینه‌ای بر ایده‌آل‌های فرزندآوری دارد. اما با کنترل متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، اثر استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر تعداد ایده‌آل فرزندان تحت تأثیر متغیرهای زمینه‌ای قرار گرفته و دیگر معنادار نمی‌باشد.

از میان متغیرهای کنترلی سن، تحصیلات، مذهب و قومیت اثر معناداری بر ایده‌آل‌های فرزندآوری دارند. تفاوت معناداری بین گروه سنی بالای ۵۰ سال با دو گروه سنی جوان و

میانسال در ایده‌آل‌های فرزندآوری را شاهدیم، به گونه‌ای که با افزایش سن بر تعداد ایده‌آل فرزندان افزوده می‌شود. سطح سواد افراد نیز اثر معناداری بر تعداد ایده‌آل فرزندان دارد و تفاوت معناداری میان سطح دانشگاهی با دو گروه بی‌سواد و ابتدایی وجود دارد و هر چه سطح تحصیلات افراد کمتر، تعداد ایده‌آل فرزندان بالاتر است. بین دو گروه تحصیلات متوسطه و دیپلم با سطح عالی تفاوت معناداری در ایده‌آل‌های فرزندآوری وجود ندارد. اثر مذهب بر تعداد ایده‌آل فرزندان بین دو گروه شیعه و اهل سنت تفاوت معناداری دارد و تعداد ایده‌آل فرزندان در میان اهل سنت بیشتر از شیعه است. اثر قومیت بر ایده‌آل‌های فرزندآوری نیز معنادار است و تفاوت معناداری بین قوم بلوچ با تمامی قومیت‌ها وجود دارد به گونه‌ای که بالاترین تعداد ایده‌آل فرزند را این گروه قومی داشته و بقیه گروه‌های قومی تعداد ایده‌آل‌های پایینتری از بلوچ‌ها دارند. پایینترین تعداد ایده‌آل فرزند مربوط به شمالی‌هاست.

مقایسه نتایج تحلیل‌های دو متغیره و تحلیل‌های چند متغیره ایده‌آل‌های باروری با متغیرهای ارزشی-نگرشی نشان می‌دهد که معناداری روابط دو متغیره در تحلیل‌های چند متغیره با کنترل متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی از بین رفته است که نشان از پیچیدگی روابط و تاثیر چندگانه متغیرها بر هم دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در بررسی اثر ارزش‌ها و نگرش‌ها بر ایده‌آل‌های فرزندآوری به دنبال این بود تا نشان دهد که یکی از مسیرهای مطالعه بررسی تحولات آینده باروری در جوامع امروزی توجه به ترجیحات و ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد است. علاوه بر اثر غیرقابل انکار متغیرهای ساختاری که عمدتاً در چارچوب تئوری‌های انتخاب عقلانی در مباحث رفتارهای فرزندآوری مطرح هستند، در بررسی و مطالعه تمایلات باروری افراد بالاخص در دهه‌های اخیر که گرایش‌های فردی از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی در حرکت است (اینگلهارت، ۱۳۷۳)؛ از تعیین‌کننده‌های اصلی این نوع از تحقیقات توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های فردی است.

یافته‌ها بر اساس تئوری برابری جنسیتی نشان می‌دهد که کشور ما در حال گذار از نگرش‌های سنتی به سمت نگرش‌های تساوی‌طلبانه در میان دو جنس است. تساوی‌طلبی در نهادهای اجتماعی فردمحور مانند تحصیلات و اشتغال در حال شکل‌گیری است، اما این تساوی‌طلبی در نهادهای خانواده محور (تقسیم کار جنسیتی بین زوجین، نگهداری از فرزند، ...) همزمان و هماهنگ با نهادهای اجتماعی فردمحور رخ نداده است و بر اساس تئوری جنسیتی مک دونالد (۲۰۰۰) همین امر ایده‌آل‌های فرزندآوری افراد را کاهش داده است و بر طبق تحقیق پور و دیگران (۲۰۰۸) تحولات جنسیتی ناقص در نهادهای فردمحور و خانواده محور منجر به باروری پایین در کشور شده است.

در رابطه با گسترش فناوری‌های جدید در عصر حاضر بالاخص در حوزه فضای مجازی تحقیقات اندکی در بررسی تاثیر این تکنولوژی‌ها بر رفتار باروری افراد صورت گرفته است. در صورتی که طبق رویکردهای اشاعه و انتشار الگوهای جدیدی از تعاملات اجتماعی موجب تغییر الگوهای روابط میان افراد شده و منجر به گسترش ایده‌های جدید درباره رفتار و ترجیحات فرزندآوری شده است. اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی یکی از الگوهای جدید تعاملات افراد با یکدیگر در دنیای مدرن امروز است و بی شک بررسی تاثیر آن‌ها بر نیت باروری افراد موثر خواهد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی کمتر باشد، اثرپذیری افراد از ایده‌ها و الگوهای خانوادگی زندگی مدرن کمتر و بر ترجیحات فرزندآوری افراد افزوده خواهد شد و این یافته‌ها با تئوری ایده‌آلیسم توسعه‌ای تورنتون (۲۰۱۲) که به تغییر رفتار بر اثر اشاعه ایده‌های جدید از طریق تکنولوژی‌ها و فناوری مدرن پرداخته و همچنین اثر رسانه‌های جمعی بر رفتارهای باروری افراد که توسط وستف و بانکول (۱۹۹۷) مطرح شده و با تاثیر اشاعه ایده‌های مدرن بر خانواده‌ها در تئوری انتقال دوم جمعیتی توسط لستهاق (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

یافته‌ها نشان داد که هر چه دینداری افراد بالاتر باشد، ترجیحات فرزندآوری بالاتری خواهند داشت که این یافته‌ها با تحقیقات قبلی توسط مورگان و دیگران (۲۰۰۲) که به رابطه میان

دینداری و رفتارهای باروری پرداخته‌اند و همچنین تحقیقات چترز و تیلور (۲۰۰۵) که افراد دیندارتر، تمایلات فرزندآوری بیشتری دارند، هماهنگ است.

در رابطه با تاثیر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی در تحلیل دو متغیره و چند متغیره شاهد اثر این متغیرها بر ترجیحات فرزندآوری افراد بودیم که توسط مک نیکل (۱۹۹۲) و ادسرا (۲۰۱۱) نیز مطرح شده است. همانطور که تحلیل چندمتغیره نیز نشان داد با کنترل متغیرهای اقتصادی-اجتماعی، اثربخشی برخی از متغیرهای ارزشی-نگرشی مانند اثرپذیری از شبکه‌های اجتماعی مدرن و فضای مجازی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری نیز تغییر کرد، اما متغیرهایی چون نگرش‌های برابری‌گرایانه جنسیتی و دینداری با کنترل و بدون کنترل متغیرهای زمینه‌ای همچنان اثر معنادار و مهمی در تعداد ایده‌آل‌های فرزندان دارند. تفاوت‌های معناداری در سن، سطوح مختلف سواد و تحصیلات، مذهب و قومیت را بر تعداد ایده‌آل فرزندان در تحلیل‌های چندمتغیره شاهد بودیم. از این رو طبق نظریه دگرگونی ارزشی اینگلههارت (۱۹۹۰) زمان آن رسیده است که در تحلیل‌های اجتماعی تعادل به وجود آوریم؛ زمانی الگوهای انتخاب عقلانی مبتنی بر متغیرهای اقتصادی روش غالب در تحلیل‌ها بود و عوامل فرهنگی تا حد غیر واقع بینانه‌ای نادیده گرفته می‌شدند. هر چند این رویکردها به فهم این مطلب که اقتصاد چگونه عمل می‌کند، کمک بسیار کرده، اما اهمیت عوامل فرهنگی را کمتر از آنچه هست برآورد کرده است. فرهنگ، نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. فرهنگ صرفاً پدیده ثانویه‌ای که توسط اقتصاد تعیین می‌شود نیست، بلکه مجموعه مستقلی از عواملی است که گاهی اوقات به رویدادهای اقتصادی شکل می‌دهد؛ همچنان که از آن تاثیر می‌پذیرد (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۵۳). بنابراین می‌توان بیان داشت که بین دگرگونی فرهنگی با موفقیت اقتصادی رابطه علی متقابل و پیچیده‌ای وجود دارد. لذا رشد اقتصادی و امنیت حاصل از آن موجب شده که نسل جدید در برخورد با ارزش‌های فرهنگی به شیوه‌ای متفاوت از نسل قبل عمل کنند، به صورتی که می‌توان یکی از نشانه‌های دگرگونی فرهنگی را دگرگونی از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی دانست. بنابراین در مطالعه

رفتارهای انتخابی مانند ایده‌آل‌های فرزندآوری و در تحقیق حاضر نیز یافته‌ها نشان از اثر مستقل و مستقیم عوامل فرهنگی و جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر تعداد ایده‌آل فرزندان دارد. این تحقیق به منظور ارائه بینشی در جهت کمک به تبیین کاهش باروری در کشور است و با توجه به بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، بازنگری، تدوین و اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی مستلزم آگاهی و شناخت از ترجیحات و تمایلات فرزندآوری، عوامل موثر بر آن و شناسایی زیرگروه‌های جمعیتی دارای تمایلات فرزندآوری پایین و بسیار پایین است که نقش مهمی در درک تغییرات و روندهای جمعیتی کشور در آینده خواهد داشت. اگرچه ممکن است ترجیحات باروری تغییر کند، اما به هر حال می‌تواند برای دوره زمانی محدودی پیش بینی‌هایی در مورد آینده باروری فراهم کند. تحقیق حاضر به دلیل محدودیت در داده‌ها و متغیرهای ارزشی و نگرشی، امکان بررسی عمیق‌تر نداشت، لذا انجام مطالعات کیفی برای دستیابی به نحوه نگرش افراد به فرزندآوری پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، (ترجمه مریم وتر)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حسینی، حاتم و محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۸۸). "تغییرات اندیشه‌ای و تاثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک"، *فصلنامه پژوهش زنان*، ۷(۲)، ۵۵-۸۴.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و حسن سرایی (۱۳۹۱). "قصد تک فرزندی و تعیین کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۱۳، ۱۱۸-۱۴۸.
- رازقی نصرآباد، حجیه بی بی (۱۳۹۰). "الگوها و عوامل موثر برفاصله ازدواج تا اولین تولد در ایران"، پایان نامه دکتری جمعیت شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان (۱۳۹۲). "مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری"، *فصلنامه زن و جامعه*، سال ۴، شماره ۲، ۱۰۹-۱۳۶.

- Aassve, A., M. Sironi & V. Bassi (2013). "Explaining Attitudes Towards Demographic Behaviour", *European Sociological Review*, 29: 316-333.
- Abbasi-Shavazi M.J, P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2003). "Changes in Family, Fertility Behavior and Attitudes in Iran", Working Papers in Demography: 88, Canberra: ANU.
- Abbasi-Shavazi, M.J, P.McDonald and M. Hosseini-Chavoshi Meimanat (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer.
- Adsera, A (2011). "The Interplay of Employment Uncertainty and Education in Explaining Second Births in Europe", *Demographic Research*, 25: 513-544.
- Ajzen, I (1991). "The Theory of Planned Behavior", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50: 179-211.
- Axinn, G.W and T.S Yabiku (2001). "Social Change, the Social Organization of Families, and Fertility Limitation", *American Journal of Sociology*, 106(5): 1219-1261.
- Bachrach, C.A and S.P Morgan (2011). "Further Reflections on the Theory of Planned Behavior and Fertility Research", *Vienna Yearbook of Population Research*, 9: 71-74.
- Balbo N, F.C Billari and M. Mills (2012). "Fertility in Advanced Societies: A Review of Research", *European Journal of Population*, 29:1-38.
- Billari F., D Philipov and M.R Testa (2009). "Attitudes, Norms and Perceived Behavioural Control: Explaining Fertility Intentions in Bulgaria", *European Journal of Population*, 25 (4): 439-465.
- Casterline B.J (2001). *Diffusion Processes and Fertility Transition, Selected Perspective*, Committee on Population, National Academy Press, Washington, D.C.
- Chatters, L.M and R.J, Taylor (2005). "Religion and Families", In *Sourcebook of Family Theory and Research*, edited by V.L Bengtson, A.A Acock, K.R Allen, P. Dilworth-Anderson and D.M Klein, 517-541. London: Sage.
- Haideko, M and K. Matthijs (2016). "The impact of well-being on fertility intentions: an analysis based on the European social survey (2010)", *Ask Research and Methods*, 25(1): 17-46.
- Hakim, C (2003). "Preference Theory: A New Approach to Explaining Fertility Patterns", *Population and Development Review*, 29, 349-374.
- Heaton, T.B (2011). "Does Religion Influence Fertility in Developing Countries", *Population Research and Policy Review*, 30 (3): 449-465.
- Inglehart, R & W.E Baker (2000). "Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values", *American Sociological Review*, 65, 19-51.
- Inglehart, R (1990). *Culture Shift in Advanced Industrial Society*, Princeton: Princeton University Press.
- Johnson-Hanks, J, C.A. Bachrach, S.P. Morgan and H.P Kohler (2011). *Understanding family change and variation: toward a theory of conjunctural action*, Dordrecht; New York: Springer.
- Kluckhohn, C (1962). "Values and Value-Orientations in the Theory of Action", In T. Parsons & E.A. Shils (Eds.). *Toward a General Theory of Action*, (pp. 388-433). New York: Harper & Row.
- Lappegard, T, M. Ronsen and K. Skrede (2011). "Fatherhood and Fertility", *Fathering*, 9(1): 103-120.

- Lesthaeghe, R (1983). "A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe", *Population and Development Review*, 9, 411-436.
- Lesthaeghe, R (2010). "The Unfolding Story of the Second Demographic Transition", *Population and Development Review*, 36(2): 211-251.
- Lindenberg, S (1990). "Home Socioeconomics: The Emergence of a General Model of Man in the Social Sciences", *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 146, 727-748.
- McDonald, P (2000). "Gender Equity in Theories of Fertility Transition", *Population and Development Review*, 26 (3), 427-439.
- McDonald, P (2013). "Societal Foundations for Explaining Fertility: Gender Equity", *Demographic Research*, 28(34):981-994.
- McNicoll, G (1992). "The Agenda of Population Studies: A Commentary and Complaint", *Population and Development Review*, 18, 399-420.
- Miettinen, A., S. Basten and A. Rotkirch (2011). "Gender Equality and Fertility Intentions Revisited", *Demographic Research*, 24: 469-496.
- Mills, M., L. Mencarini, M.L. Tanturrini and K. Begall (2008). "Gender Equity and Fertility Intentions in Italy and the Netherlands", *Demographic Research*, 18 (1): 1-26.
- Mills, M., R.R. Rindfuss, P. McDonald and E. Tevelde (2011). "Why do People Postpone Parenthood? Reasons and Social Policy Incentives", *Human Reproduction Update*, 17: 848-860.
- Morgan, S.P, S. Stash, K.O. Mason & H.L Smith (2002). "Muslim and non-Muslim differences in female autonomy and fertility: Evidence from four Asian countries", *Population and Development Review*, 28, 515-538.
- Parr, N (2010). "Satisfaction life an antecedent of fertility: partner+happiness= children?", *Demographic Research*, 22: 635-662.
- Perelli-Harriss, B (2006). "The influence of informal work and subjective well-being on childbearing in post-soviet Russia", *Population and Development Review*, 32: 729-53.
- Philipov, D and C. Berghammer (2007). "Religion and Fertility Ideals, Intentions and Behaviour: a Comparative Study of European Countries", *Vienna Yearbook of Population Research*, 5: 271-305
- Puur, A, S.Z. Livia, M. Oláh, I. Tazi-Preve and J. Dorbritz (2008). "Men's Childbearing Desires and Views of the Male Role in Europe at the Dawn of the 21st Century", *Demographic Research*, 19(56):1883-1912.
- Rokeach, M (1970). "*Beliefs, Attitudes, and Values*", San Francisco: Jossey Bass.
- Rokeach, M (1973). "*The Nature of Human Values*", New York: The Free Press.
- Testa M.R, L. Cavalli and A. Rosina (2014). "The Effect of Couple Disagreement about Child-Timing Intentions: a Parity-Specific Approach", *Population and Development Review*, 40 (1): 31-53.
- Testa, M.R (2012). "Childbearing Preferences and Family Size in Europe: Evidence from the 2011 Eurobarometer survey", *European Demographic Research Paper*, No.1, Vienna Institute of Demography of the Austrian Academy of Sciences.
- Thornton A, G Binstock, K Yount, M.J Abbasi-Shavazi, D Ghimiri and Y Xie (2012). "International Fertility Change: New Data and Insights from the Developmental Idealism Framework", *Demography*, 49(2):677-98.

- Thornton A (2010). "International family change and continuity: the past and future from the developmental, *Demography*, 53(5): 21-50.
- Westoff C.F and A. Bankole (1997). "Mass Media and Reproductive Behavior in Africa", *DHS Analytical Reports*, No.2, Calverton, MD, USA: Macro International, Inc.
- Westoff C.F and J. Higgins (2009). "Relationships Between Men's Gender Attitudes and Fertility", *Demographic Research*, 21 (3): 65-74.